

# همشهری

# «یسنا» ۵روز زندانی بود

عملیات کم نظیر جست و جو برای یافتن دختر بچه گمشده در کلاله پایان خوشی داشت



### گزارش

**جواد عزیزی**

روزنامه‌نگار

شش‌شنبه‌روز جست‌وجوی پلیس، تیم‌های امدادی و ده‌ها نفر از مردم روستا برای پیدا کردن دختر بچه ۳ساله کلاله‌ای، با پیدا شدن این دختر بچه پایان یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد یسنا کوچولو در همه این روزها از سوی فردی ربوده شده و در خانه‌ای روستایی زندانی بود.

به گزارش همشهری، صبح یکشنبه هفته گذشته بود که زنی جوان از اهالی روستای یلی‌پدراک شهرستان کلاله در استان گلستان به همراه دختر ۱۲ و ۳ساله‌اش برای کارهای مزارع کشاورزی در اطراف روستا شد. آنها وسایل شان را در قسمتی از مزرعه گذاشتند و در حالی که یسنا ۳ساله در حال بازی در آنجا بود، سرگرم کار شدند. چند ساعت بعد اما، زمانی که به این محل برگشتند اثری از یسنا نبود.

#### آغاز جست‌وجوها

خانواده یسنا چند ساعتی را در مزارع اطراف به‌دنبال دختر بچه ۳ساله گمشده‌اما وقتی اثری از او پیدا نشد ماجرا را به بخشداری، پلیس و هلال‌احمر گزارش کردند.از همان زمان بود که تیم‌های امدادی راهی منطقه شدند و عملیات جست‌وجو آغاز شد.

همزمان با گم شدن دختر بچه خردسال، خبر این اتفاق در شبکه‌های مجازی منتشر شد و ده‌ها نفر از مردم منطقه که نگران دختر بچه خردسال شده بودند برای عملیات جست‌وجو راهی مزارع شدند. این‌ در حالی بود که تیم‌های مختلفی از پلیس، هلال‌احمر و بسیج و دیگر سازمان‌های نیز راهی منطقه شدند و جست‌وجوی کم‌سابقه‌ای در مزارع کلاله آغاز شد. بیش از ۲۵۰۰نفر از اهالی منطقه به همراه نیروهای پلیس و تیم‌های امدادی، هر روز منطقه‌ای وسیع در دشت گرگان را جست‌وجو می‌کردند و صحنه‌هایی کم‌نظیر از حس همنوع دوستی و اتحاد را به‌وجود می‌آوردند.

#### یک ابران، چشم انتظار

انتشار تصاویر و اخبار مربوط به جست‌وجوی شش‌ه‌روزی اهالی منطقه و تیم‌های امدادی در شبکه‌های اجتماعی توجه خیلی‌ها را به ماجرای گم شدن یسنا جلب کرد و مردم سراسر کشور با پیگیری اخبار مربوط به این حادثه چشم‌انتظار خبری از پیدا شدن دختر بچه گمشده بودند. این در حالی بود که تیم‌های امدادی در جریان عملیات جست‌وجو همه امکانات خود را از راه بالگرد گرفته تا پهپاد شناسایی و پاراگلایدر و همچنین سگ‌های زنده‌یاب، به کار گرفته بودند تا بتوانند یسنا کوچولو را پیدا کنند. در این میان نیز تصاویری از جست‌وجوهای شبانه، به پرواز در آمدن کایت‌ها و پاراگلایدرها و حضور ده‌ها نفر از اهالی برای پیدا کردن ردی از یسنا، حساسیت این ماجرا را بیشتر می‌کرد.

#### یک خبر خوب

در حالی که ۵روز از گم شدن دختر بچه ۴ساله می‌گذشت، بعداز ظهر پنج‌شنبه گذشته بود که خبر پیدا شدن یسنا توسط تیم‌های امدادی فضای مجازی را پر کرد. آن روز یکی از

کایت‌سواران هلال‌احمر که از بالا مزارع کشاورزی را جست‌وجو می‌کرد خبر از مشاهده یک شه مشکوک در یک مزرعه کلزا داد و همزمان تیمی از مأموران پلیس به همراه سگ زنده‌یاب راهی مزرعه شدند و توانستند دختر بچه گمشده را با پیگیری اخبار مربوط به این حادثه چشم‌انتظار بازگردانند. هر چند پیدا شدن این دختر بچه موجی از خوشحالی را میان مردم و تیم‌های جست‌وجو به همراه داشت، اما پیدا شدن یسنا در حالی که کاملا سالم بود و حتی دچار گرسنگی و تشنگی نشده بود، نشان می‌داد که او گم نشده و پشت پرده ماجرا، روایت دیگری است.

#### یسنا ربوده شده بود

مأموران پلیس از روزی که دختر بچه ۴ساله گم شد علاوه بر حضور در عملیات جست‌وجو، فرضیه‌های دیگری را هم دنبال می‌کردند. یکی از این فرضیه‌ها، ربوده‌شدن یسنا کوچولو بود. آنها احتمال می‌دادند که فرد یا افرادی با انگیزه‌ای نامشخص این دختر بچه را ربوده و در محلی مخفی کرده باشند؛ فرضیه‌ای که با شناسایی تعدادی مظنون با جدیت پیگیری

شد و در نهایت نیز وقتی پلیس در شاخه‌ای از تحقیقات به اطلاعات مهمی رسید، افرادی که یسنا را ربوده بودند وقتی دیدند ماجرا در شبکه‌های اجتماعی جنجالی شده و پلیس به آنها نزدیک شده‌است، تصمیم گرفتند دختر بچه را در نزدیکی همان محلی که او را ربوده بودند رها کنند تا شاید از این طریق راهی برای فرار پیدا کنند؛ اتفاقی که هرگز رخ نداد و کارآگاهان پلیس استان گلستان موفق به شناسایی و دستگیری آنها شدند.

سردار محمدسعید فاضل دادگر، فرمانده انتظامی استان گلستان با اعلام جزئیات تازه از ماجرای ربوده شدن یسنا کوچولو گفت: به‌دنبال اعلام مفقودی دختر بچه کلاله‌ای در روز یکشنبه نهم اردیبهشت، بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و از همان لحظات اولیه عوامل گشت انتظامی به همراه فرمانده بخش پیشکمر راهی محل شدند. وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع کارشناسان پلیس اطلاعات و آگاهی شهرستان و سررتیم اطلاعات جنایی پلیس آگاهی استان و رئیس پلیس آگاهی استان

### صحنه‌های زیبای همدلی

یکی از زیباترین صحنه‌های همدلی و نوع دوستی در میان مردم کشورمان زمانی رقم می‌خورد که کودکی گم می‌شود. آنجاست که بسیاری از مرد دست‌به‌دست هم می‌دهند تا با پیدا کردن کودک گمشده پدر و مادری را شاد و از نگرانی خارج کنند.

دعوا با مادرش قهر کرده و مخفیانه از خانه خارج شده بود. در بیان‌های اطراف روستا گم‌شد و ده‌ها نفر از مردم روستا شبانه و با چراغ‌قوه‌هایی در دست‌راهی بیان شدند و توانستند پس از گذشت ۷ساعت، سر بچه گمشده را پیدا کنند و به نگرانی مادرش ختمه دهند.

#### گمشده در جنگل

۲سال پیش، وقتی خبر گم‌شدن سر بچه ۶ساله‌ای در جنگل‌های روستای سنگستان استان گلستان پیچید، مردم‌زبانی برای پیدا کردن او به دل جنگل زدند. در چشم بر هم زدنی دسته‌های بزرگی از جست‌وجوگران محلی به همراه تیم‌های امدادی

هلال‌احمر راهی جنگل شدند و تلاش برای پیدا کردن سر بچه گمشده را آغاز کردند. آنها همه‌جا را به‌دنبال کودک گمشده گشتند و در نهایت ۴۸ساعت بعد موفق شدند او را در جنگل‌های سفیدچشمه در حالی که از شدت گرسنگی از حال رفته بود پیدا کنند.



به محل اعزام شدند و به این ترتیب تحقیقات ویژه‌ای برای کشف معمای گم شدن یسنا آغاز شد. این اقدامات پلیس در کنار تلاش‌های بی‌وقفه گروه‌های مردمی، بسیج و به‌ویژه هلال‌احمر بود که جست‌وجوهای میدانی را انجام می‌دادند.

سردار دادگر اظهار داشت: پلیس همه سناریوهای احتمالی را همزمان پیگیری می‌کرد و با هماهنگی‌های به عمل آمده بهترین سگ‌های زنده‌یاب، که در عملیات جست‌وجو در ساختمان پلاسکو عملکرد بسیار مطلوبی داشتند، از تهران به منطقه منتقل شدند.

همچنین از ده‌ها نفر به‌عنوان مطلع تحقیق شد و به این ترتیب دامنه اطلاعاتی کارآگاهان گسترش یافت و در نهایت ۳ مظنون شناسایی شدند که یکی از آنها بازداشت شد.

رئیس پلیس استان گلستان ادامه داد: در انثای این تحقیقات و جست‌وجوها، عمر روز پنج‌شنبه ۱۲ اردیبهشت یکی از کایت‌سواران حین پرواز در منطقه، حضوری مشکوک را در بین مزارع کلزا اعلام کرد. بلافاصله یکی از تیم‌های پلیس به همراه سگ زنده‌یاب خود را به یسنا رسانده و او را در آغوش کشیده و در بین خوشحالی مردم تحویل خانواده‌اش داد. به گفته سردار فاضل دادگر، تحقیقات پس از یافتن کودک با شدت و جدیت ادامه یافت تا اینکه با اشراف اطلاعاتی و عملیاتی پلیس ۲نفر از اعلان ربایش دختر بچه دستگیر شدند و به جرم ارتکابی اعتراف کردند.

وی گفت: این افراد در بین مظنونان بودند که از سوی پلیس شناسایی شده بودند و وقتی متوجه شدند که در تور اطلاعاتی پلیس قرار گرفته‌اند، از یک فرصت استفاده و کودک را در محل رها کردند که خوشبختانه وی پیدا شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت. به گفته رئیس پلیس استان گلستان، تحقیقات از مهمان دستگیر شده برای مشخص شدن انگیزه آنها ادامه دارد. در همین حال دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کلاله نیز از شناسایی و دستگیری عوامل اصلی ربایش کودک کلاله‌ای خبر داد و گفت: یکی از آنها پس از بازجویی با صدور قرار بازداشت موقت، راهی زندان شد و انگیزه این آدم‌ربایی پس از تکمیل تحقیقات اطلاع‌رسانی خواهد شد.

### داخلی



#### مرگ نخبه کنکوری و پدرش بر اثر گاز گرفتگی

مسمومیت با گاز منوکسید کربن جان نخبه کنکوری و پدرش را گرفت. به گزارش همشهری، این حادثه صبح جمعه ۱۴ اردیبهشت‌ماه در روستای پاچی میانی‌ساری اتفاق افتاد و در جریان آن سیداسماعیل نصراللهی و پدرش بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست دادند.

زگر با اشک پور، سخنگوی اورژانس مازندران گفت: در این حادثه ۲ نفر شامل سیداسماعیل نصراللهی، نخبه معلول مساروی همراه پدر و مادرش دچار گاز گرفتگی شده بودند که جوان نخبه و پدرش جان خود را از دست دادند و مادر خانوادهاه یافت.

### می‌خواستیم فضاورد شوم اما سارق شدم

#### گفت و گو

میثم متولد سال ۷۴ است. او پیش از این به جرم موایل قاپی دستگیر شده

و یک هفته پس از آزادی، مجددا سرفت‌هایش را از سر گرفته‌است. این بار اما شگردش را به سرفت ماشین تغییر داده‌است. میثم می‌گوید یک نایفه‌است که موادمخدر زندگی‌اش را تباه کرد و موجب شد تبدیل به سارق شود. گفت‌وگو با این سارق نایفه را که به دستور دختر مورد علاقه‌اش سرفت می‌کرد در ادامه می‌خوانید.

**پرورنده‌ات نشان می‌دهد که سابقه داری؟**
یک‌بار به جرم گوشه‌ی قاپی دستگیر شدم‌ام، الان هم به جرم سرفت خودرو و لوازم خودرو.

**سن و سنالی هم که نداری، چه شد که**

**تبدیل به سارق شدی؟**

موادمخدر و رفیق نایب. این ۲عامل موجب شد که سسر از دنیای تبهکاران دریابورم. من زندگی پدی نداشتم، درس خوانده‌ام و می‌خواستیم به رویاهای بزرگ برسیم. خانواده بدی هم ندارم، وضع مالی مان نسبتا خوب‌است. اما خود‌کرده را تدبیر نیست؛ چرا که با دستان خودم

زندگی‌ام را تباه کردم.

**چقدر درس خوانده‌ای؟**

فوق‌دیپلم ریاضی محض دارم. شاید باور نکنید اما همه مرا نایفه می‌دانند. از کودکی مسائل ریاضی را حل می‌کردم و رسیدم و ۲نیروی دیگر مجروح شده‌ بودند، با شهادت یکی از مجروحان شمار شهیدای این حادثه

به ۲۱فتر افزایش پیدا کرد. مسناریوهای احتمالی را همزمان پیگیری می‌کرد و با هماهنگی‌های به عمل آمده بهترین سگ‌های زنده‌یاب، که در عملیات جست‌وجو در ساختمان پلاسکو عملکرد بسیار مطلوبی داشتند، از تهران به منطقه منتقل شدند.

همچنین از ده‌ها نفر به‌عنوان مطلع تحقیق شد و به این ترتیب دامنه اطلاعاتی کارآگاهان گسترش یافت و در نهایت ۳ مظنون شناسایی شدند که یکی از آنها بازداشت شد.

رئیس پلیس استان گلستان ادامه داد: در انثای این تحقیقات و جست‌وجوها، عمر روز پنج‌شنبه ۱۲ اردیبهشت یکی از کایت‌سواران حین پرواز در منطقه، حضوری مشکوک را در بین مزارع کلزا اعلام کرد. بلافاصله یکی از تیم‌های پلیس به همراه سگ زنده‌یاب خود را به یسنا رسانده و او را در آغوش کشیده و در بین خوشحالی مردم تحویل خانواده‌اش داد. به گفته سردار فاضل دادگر، تحقیقات پس از یافتن کودک با شدت و جدیت ادامه یافت تا اینکه با اشراف اطلاعاتی و عملیاتی پلیس ۲نفر از اعلان ربایش دختر بچه دستگیر شدند و به جرم ارتکابی اعتراف کردند.

وی گفت: این افراد در بین مظنونان بودند که از سوی پلیس شناسایی شده بودند و وقتی متوجه شدند که در تور اطلاعاتی پلیس قرار گرفته‌اند، از یک فرصت استفاده و کودک را در محل رها کردند که خوشبختانه وی پیدا شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت. به گفته رئیس پلیس استان گلستان، تحقیقات از مهمان دستگیر شده برای مشخص شدن انگیزه آنها ادامه دارد. در همین حال دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کلاله نیز از شناسایی و دستگیری عوامل اصلی ربایش کودک کلاله‌ای خبر داد و گفت: یکی از آنها پس از بازجویی با صدور قرار بازداشت موقت، راهی زندان شد و انگیزه این آدم‌ربایی پس از تکمیل تحقیقات اطلاع‌رسانی خواهد شد.

دستگاه رسید.

**چه نوع موادی مصرف می‌کنی؟**
شیشه می‌کشیدم اما این نوع دختر موردعلاقه‌ام من خواست تا ماده مخدر جدید کمیکال را مصرف کنم. این خانواده ماری‌جوئانس‌ت باعث ایجاد توهم شدید می‌شود. وقتی نخستین بار کشیدم انگار روی ابرها بودم. فکر می‌کردم در فضا هستم. راستی می‌دانستید من دلم می‌خواست فلانطور شوم و با سفینه به

دوم جلال اعتماد که شرایط عجیب و غریه سفر کنم؟ شاید پر ایتان عجیب باشد و باور نکنید اما به خاطر هوش بالایم همه می‌گفتند موفق خواهی شد. اطلاعات‌تم نسبت به فضا خیلی زیاد‌است و اگر بایم به دنیای مجرمان و اعتیاد کشیده‌نمی‌شد، شاید ایران نبودم و انتخاب می‌شدم برای رفتن به فضا.

**با چه شگردی سرفت می‌کنی؟**

من قبلا موایل قاپی می‌کردم. بعد از آزادی، دختر موردعلاقه‌ام به من گفت

بیا برویم سرفت ماشین انجام دهیم. دخترش با یک گروه کار می‌کرد و می‌گفت راه و روش سرفت ماشین را از آنها یاد گرفته‌است. او به من آموزش داد و وقتی نخستین بار توانستم ماشین سرفت کنم، خولم آمد و ادامه داد. یک مریخی بودیم، کافیتست شفا فقط یک مر تر به چیزی به من بگویند و بعد استخدام را تماشا کنید.

**چه خودرویی‌هایی سرفت می‌کردید؟**

از پژو و پراید گرفته تا ال ۹۰ و مزدا ۳.

**با ماشین‌های سرفت چه می‌کردی؟**

چند روزی در زیر پایم بود و با آن می‌رفتم سراغ سرفت‌های بعدی. سپس تحویل دختر موردعلاقه‌ام می‌دادم تا آن را

در خیابان رها کند. اما الان متوجه‌شدم که او ماشین‌ها را به سر‌دسته باندی که با آن کار می‌کرد می‌فروخت تا او با شیوه سند نمره آن را بفروشد و سپس را



#### برادر مقتول در تعقیب قاتل

کار آگاه بازی برادر مقتول،

اسرار جنایت‌را فاش کرد.

به گزارش همشهری،

هفتم اردیبهشت‌ماه جسد

بی‌سر مردی افغان در جاده

کن کشف شد. تحقیق از

خانواده مقتول نشان داد که

مظنون این جنایت فردی

افغان به نام مراد‌است. مراد

فرار کرده و این در حالی بود

که برادر مقتول نیز در تلاش

بود تا قاتل برادرش دستگیر

شود. او راهی باغی در اطراف

کن شد که محل کار برادر

مراد بود و در بازرسی آنجا

سر مقتول را پیدا کرد و با

پلیس تماس گرفت.با حضور

مأموران وقاضی امیر حسین

علیمراد باز پرس جنایی،

معلوم شد که مقتول توسط

مراد و برادر مراد به قتل

رسیده و تحقیقات برای

دستگیری آنها ادامه دارد.

## آتش، شهرک امامزاده ابراهیم را خاکستر کرد



همراه نداشت، اما خسارات سنگینی بر جای گذاشت. مهدی نقدی، فرماندار شفت در این باره می‌گوید: وسعت و شدت آتش سوزی به‌علت بافت چوبی منطقه بسیار شدید بود و

بود و خاموش کردن آن را دشوار می‌کرد. به همین دلیل وقتی با حضور آتش‌نشانان، حریق مهار شد، تقریبا همه خانه‌های روستا خاکستر شده بود. هر چند این آتش سوزی تلفاتی به

### پایان سرفت‌های سارق نایغه

پسر جوانی که به دستور دختر مورد علاقه‌اش دست به سرفت‌های سریالی می‌زد، توسط مأموران پلیس آگاهی تهران دستگیر شد. به گزارش همشهری، چندی قبل مأموران پلیس اعضای باندی را در پایتخت دستگیر کردند که به‌صورت سریالی، خودرو سرفت می‌کردند. یکی از اعضای این گروه، دختری ۲۰ساله به نام نیلوفر بود که در بازجویی‌ها اعتراف کرد علاوه بر همکاری با این باند، چند وقتی است که با پسر مورد علاقه‌اش نیز سرفت می‌کند. با اعتراف نیلوفر، پسر مورد علاقه وی که مجرمی سابقه‌دار بود، دستگیر شد و هر دو در بازجویی‌ها به سرفت‌های سریالی در پایتخت اعتراف کردند. تحقیقات از این ۲نفر برای کشف جرائم احتمالی دیگر ادامه دارد.

